نز از کا بایا نخست بسیار جذاب و چشمگیرند؛ زندگی محمود سبزی، هنرمندنقاش مقیم لس آنجلس آمریکاداستان دورودرازی

است که فراز وفرودهای زیادی هم دارد: از تولد در همدان،

مهاجرت در دوران طفولیت به اهواز، شرایط جنگی دهه ۶۰ و سپس مهاجرت به آلمان و بعدتر آمریکا؛ و همین تجربه

و سپس مه جرب به انعان و بمتار اس یند و معین کبرید و تماشیای وطن و منطقه خاورمیانه از دوردست سبب شده او نگران گسسیتهای فرهنگی واختلال هویتی در نسل آینده باشده او متولد ۱۳۳۰ است واز سال ۱۳۶۴ از

سرزمین مادری کوچ کردہ است؛ هر چند که خودش می

گوید هیچگاه از ایـــران جُدانبوده و هُمواره قلبشُ در اینجا

می ّتپد؛ او ۵۴ سالی هست با دور تازه نقاشی هایش، سالی یک بار به تهران می آیدونمایشگاهی برای هموطنانش برپا

یا جربه بهرانای بر صرحیات یا را که بولیاری می کند. می کند: رو به بی سوء تازهترین آثار او که پاپ آرتهایی تامل برانگیزند، این روزها در گالری بوم به تماشاست؛ این چهل و پنجمین نمایشگاه انفرادی محمودسبزی است که

همه روزه (غیر از شنبه ها و یکشنبه ها) ساعت ۱۶ تا ۲۰ در

گالری بوم واقع در خیابان ولیعصر، بالاتراز نیایش، کوچه ارمغان غربی پلاک ۱۱ میزبان نگاههای شماست.

شمایل های ایرانی و خاور میانه ای در پی چیست؟

مجموعه «رو به بی سو» همنشینی سوپراستارهای هالیـوودی و مـک دونالـدو آمریکایی بـاالمان ها و

کر مقصودتان خود مجموعه رو به بی سو است، از سال گر مقصودتان خود مجموعه رو به بی سو است، از سال

۲۰۱۱ روی آن متمرکز بودهام، اما اگر نظر تان درباره کل

رزی ن مسیر برجمه می برخیه می برخی تاریزه می این مبحث وریشه های شکل گیری آن است، باید بگوییم چنین مضمونی ســـالیانِ سال اســـت با من همراه است؛

ب در مامی مجموعه آشار م از بحران هویت فرهنگی، سر گشتگی و کوچ باعجله از سرزمین سنت به سرزمین

مدرنیسم همدار می دهم، نشان می دهم چنین رفرمی برای سـرزمین خــاص ماباآن پیشــینهبــرزگ چقدر آسیب-رسان است وریشههای فرهنگی ماراباخطر جدی

پریشان حالی هویت که بسیاری از ارزش ها آرام آرام از آر[،] ،

بی بی کند؛ به مرور ما جامعه ای خواه

گفتوگو

کویرهای «جلال شباهنگی» بر دیوارهای آریانا

مريم تهوري

را امی ساختند و پس از زیر سازی مرحله به مرحله کار را پیش می بردند و روی این کاغذهای سخت نقاشی می کشیدند. من هم پس از مدتی کار به این نتیجه رسیدم که می توان با رنگ ماشین هم کار خود. این حس کنجکاوی نسبت به رنگ و روغن خودرو باعث شد دست به این کار خطرنا برخی از آثار به نمایش در آمده از رنگ و روغن خودرو با ترکیب تینر ۱۰هزار که بسیار سخت و خطرناک است، آثاری را نقاشسی کردم. به همین دلیل در طول کار بارها به دلی ج^{ست ب} درد شدید راهی بیمارستان شدم اما درنهایت به تکنیک مورد علاقهام رسیدم. **حاصل ۲۴سال تدریس** کشور تدریس که در دانشگاههای سراسر کشور تدریس که در مانشگاههای سراسر

کشـور تدریس کـردهام. در تمـام این مُدتُ تلاش کـردهام اسـتعدادهای دانشـجویان را بسرورش دهم وبارها تأكيد كسردهام كه تنها راه بـروز و تقویت خلاقیت، تمریـــن و تمرین و تمرین اســت. فراموش نکنیــم که خلاقیت درس دادنی نیست بلکه خلاقیت از راه تلاش درس مهارت به دست میآید. وقتی مهارت و تسب مهارت به دسم می اید. وقدی مهارت هنرمند تقویت شـود، خود به خود به خلاقیت هم می رسد، هر چند که میزان خلاقیت هم به استعداد بستگی نارد اما در هر حال کار استاد این است که ابزار لازم را در اختیار مغز دانشجو قرار دهد تا دانشجو بتواند از این ابزار به خوبی در رو برر سند به هنرمندان جسوان واقعا اميدوارم. بهره ببرد. به هنرمندان جسوان واقعا اميدوارم. هنرمندان جوان رشد خوبي دارند، با شناخت ابسزار و تكنيب آشار خوبي خلسق مي كنند،

ابسرار و ندیت امار خوبی خلیق می نشد. به خصوص در زمینه تصویر سازی. در حال حاضر امکانات بسیرای در اختیار جوان ها قــرار دارد کــه در گذشــته خیری از آنها نبود. به طور مشـال در دوره جوانی ما تنها ۳مـداد زرد، قرمز و آبی بـود، در حالی که الان ۳مـداد زرد، قرمز و آبی بـود، در حالی که الان ۶۰ مداد در اختیار دانشـجویان است، طبیعی اسـت که باید آثاری با کیفیت بالاتر هم تولید کنند. در این مسیر تنها کار استاد این است که به دانشـجویان شــناخت دهد تا از این طریق . شد کنند.

روی مینی بوس ها نقاشی کنید! روی سیاری کی در کشورمان یکی از نقاط ضعفی کـه در کشورمان شاهدیم این است که اساتید مجرب را بـــه شــهرهای دورافتــاده نمی بریم. اس برجســـته تنهــا در دانشــگاههای بــزرگ و کلانشهرها به تدریس مشــغولند، درحالی که بارها تأکید کـرده ام که باید اسـاتید مجرب را در قالب سـمینارها و کارگاههـای ۱۵،۱۰ روزه به شــهرهای هنرخیز ببریم تا اسـاتید و دانشـجویان آن مناطق هم با تحولات آشـنا شوند و نمایشـگاههایی را در مناطق دورافتاده برگزار کنیم. من برای آشنایی بیشتر مخاطبان عام با هنر از دانشجویان خواسته ام

تا روی مینی بوس ها تصویر سازی کنند. از این طریق وقتی این خودروها در سطح شهر رفت و آمد می کنند، چشــمان عابــران پیاده و سواره به این هنرها آشنا می شـود. این کار به خصـوص بر ناخـودآگاه کودکان نیــز تأثیر . . . نقاشی یا تصویرسازی باید مخاطب را هم در نظر گرفت نه این کـه به تقلیـد از هنرمندان برجُستُه کار کنیم. تصویرسازی باید بیش از این که متاثر از آثار خارجیها باشــد باید متاثر از فرهنگ کَشُور مارز باشد.

بخشٌ خصوصي و دولتي

خوشبختانه در سالهای اخیر به همت برخی کارشناسان بخش خصوصی آثار رزشمند هنرمندان ایرانی به حراجیهای یُنْ المللــی راه پیدا کرده اسـت. در داخل هم مینــه تقویت هنر توســط بخــش خصوصی مُوثر تر اسبَت اما نكَته ابنحاسبت كه ابن خود بو تربر سمی می ایند. به تنهایی کافی نیست. بلکه برای رشد هنر در کشــور به حمایت همهجانبه بخش دولتی نیز نياز داريم. جلال شباهنگی نقاش خاص ترین کویرها و شتهاست؛ او در ۸۰ سالگی گرافیکی ترین و مینی مالیست تو در ۲۰ مسلمی درمیمی مدینی مینی مالیستی ترین کویرها را با چند منحنی به تصویر می کشت و با قرمزها و صورتی های معاصر به آنها رنگ های جذاب می پاشت؛ أرامس بخشيى همچنيان فصل مشترك ر دشتهای این پیر نقاشی است که بیش از ۴ دهه است نقاشی را آکادمیک نیز آموزش میدهــد؛ حرفهــای او بســیار شــنیدنی و خواندنی اسـت؛ میگوید: «کلمــه رنگ دارد، صُدارنَـــــــــدارد، فقَــَطَ هنرمند بایَــد بر ایُن حیطه مســلط باشــد. پیدا کردن این رنگ ها به آموزش نیاز دارد؛ شــــاهنگی در این گفتار به موردی پار درم میباند می از یو به خوانندگان «شـهروند» هـم از مولفههای کویرهایش مي گوید و هم از وضعیت آموزش هنـر کـه در آن حتـی نقاشـی کـردن روی مینی بوس ها هم پیشنهاد می شود.»

۶۰درصد مطلوب تراز گذشته سال هاست کمه با تم دشت ها و کویرها کار می کنم. هر نقاشمی که قصد دارد ایده

سیاش را به یک مرحله مطلوب بر سُاند، ام تمرکزش را بـر خلاقیتش معطوف بايد تم کند و این امکان پُذیر نیست جز با تمرین و ممارست. بسیاری از هنرمندان سال های سال روى موضوعي كار مي كنند تا درنهايت به نتیجه میرسند؛ من هم در تمام این سال ها بر ترکیب بندی، دفورماسیون و رنگ ها کار بر ریب بندی مورد میرد میرو رو در میرو کردم. اکنون که تابلوهای دشتها و کویرهای گذشته ام را نگاه می کنم، نقص هایی در کار می بینم اما ب فظرم آثارم در گالـری آریانا از سی بیمهامه بب علام ۱۹۱۹م در تاسری از رانانا ز نظر کیفت، همسو نواختن رنگها، اندازهها و کمپوزیسیونها ۶۰ درصد مطلوب تیر از آثار گذشتهام است. پیش از این آثارم در زمینه دشتهاو کویرها احساسی تر بود رمیت مستی و بویریم : اما اکنون این احساس را بیشتر با رنگها و کمپوزیسیونها همراه کرده ام و این نکتهای است که بازدیدکنندگان این آثار بر آن تأکید كمپوزيس

کو پری مختص شباهنگی

دا. ند.

مو موری محصص سیامیکی هر هنرمندی به موضوعی علاقهمند است. فرقتی نمی کند را نالیست یا سور نالیست هر کدام علایتی خاصی دارند امـــامن در این ســـالـها تلاش کــردهام تا اثری ارایــه کنم که مختــمو ایران است. دم دستهان است و بسیاری از ما بارهــا در آن موقعیــت حضور یافتهایم؛ کویر، نقطه پر از سکوت و آرامش ینمه یع. تویز، نصح پر از منصوع و ارامس. سال ها در یزد و کاشان زندگی کرده ام و از نزدیک اتود زدهام و حتی در زمینه سایه های گیاهان خشـک کویر هم مطالعـه کردهام. در تمام این مدت تلاش کردم اثری خلق کنم که نمونهاش را توسط فرد دیگری ندیده باشیم. به نقطهای دست بیدا کنم که نه تنها نو است که کس دیگری در این زمینه کار نکرده باشد. این روزها آثار بسیاری از هنرمندان میبینیم که متاثر از نقاشان سایر کشورهاست اما این موضوع در کارهای من دیده نمی شود و آثاری خلق کردہام کہ ھر کسے کے آن را ہر دیوار خانہاش نصب کند با نےگاہ بہ آن احسـاس آرامـش کند. من ایـن آرامش را بـا به تصویر کشـیدن کویر به نمایـش گذاشـتهام. تنوع رنگهایی کے در تابلوها میبینیم با همه . غلظتی که دارند آرامش بخش است. در این آثار میفهمیم که تنها طیف خاصی از رنگ ها مانند آبی و بنفش نیست که آرامش را منتقل میکند بلکه رنگ قرمز هم با قـرار گرفتن در کنار عناصر رنگیی دیگر میتواند تاثیر گذار

از رنگهای خودرو تا رنگهای معمولی در زمینه رنگها به دو گونه کار کردهام؛ ک روش که حاصل آن خلق آثاری است

که در موزه آمریکا به نمایش گذاشیته شید و از رنگ و روغن معمولی بر بوم استفاده کردم اما بعضی کارها روی مقواهای سخت شده کار شده است. در گذشته اســاتید نقاشی کاغذها وپدربزر گمن نيز همين طوربود.من فكرمي كنم دليلش این است که ما همواره به سـَمت وضع جدید در جهانی مدرن هل داده شدهایم که این حاصل ضرور تی تاریخی در تحولات اجتماعی مقتضی دنیای مدرن بود مان باگاه های طبیعی این چرکت انداشتهاد

ودمانباگامهای طبیعی این حرکت, ا یک جور نوســتالژی نســبت به آیین ها و ارزش های دیروز در آثار تان جریان دارد؟

بله،این هست چرا که همواره حسرت آن چیزهایی که در دسترس مان نیستند را می خوریم. شاید یک فرد اروپایی این احساس ما رانداشــته باشد، چرا که در زمان بودش دنیای امروز را با گامهای آهســــته تجربه کرده و ، به مدرنیته رسیده است و حتی شاید باطمانينهاز، ز این مرحله گذار به دلیل نرم و آهسته بودنش لذت هم بر میں بالدیا ہوتا ہے۔ بردہ باشداما ما بدین جہت کہ با گام ہای سریع این مسیر را می پیما یہ؛ قبل از لذت بردن از یے کدورہ، وارد دورہ بعدمی شویم. بنابراین حامل یک سری حسرت هایی از گذشته های خودمان هستیم که این برای من یک دغدغه بوده و هست. بنابراین در بســیاری از آثار این نوع نگاه را ىيىن

. با وجود چند نمایشــگاه در آلمان، شــما در آمریکا نبديل به نقاش تثبيت شدهاي شديد. اين اتفاق چگونهافتاد؟

» فضاًی آلمان نه از نظر روحی و نه جســم مساعد حال من نبود. در آنجا حس دست دوم و خارجی بودن به نحو غریبی آزار دهنده است؛ تفاوت آمریکا این بود که فضای خاکستری و سرد آلمان را نداشت و کاملابر عکس بــود.ضمن آن که فــروش خوب کارم بــه یک مجموعه دار در بدو ورود باعث شــد که دیگر به آلمان برنگردم اما ر آمريكا من از جاهاي بسيار پايين شروع كردم. ابتدا از رت فســــتيوال هايى كه توســط موز مها يا اسيانسر هاى معتب آمریکامی گذارندو مردم عادی هم از آنها کار میخرندشروع کردم خیلی زود گالری هاومجموعه دارها به سراغم آمدند و همه چیز به سـرعت و با روندی بسیار موفقیت آمیز شروع به تغییر کرد. چندسال بعد یک ناشر هنُری قراردادی طولائی مَدَّت بُــرای چاپ و فروش آثار مُ با من منعقد کرد که دو بار تجدید شدو به مدت ۱۰ سال دامەداشت.

ی، همبر گرهای

ننديا به اين خاطر

خاطرات گریزان در آثار محمود سبزی عباس دانشوری |

ـــتى انسان را شكل

میدهند. با نگاهـــی به این آثار حــس جهانهای گمشده که تنها به شکل نمادهایی باقی ماندهاند به بیننده دست می دهد، همچون حس معناهایی که ظاهر قابل لمس آن ها مدت هاست محو و ناپدید شده است. آن گونه که ایتالو کالوینو می گوید:

«.. ماخود را با چیزی که حضور ندارد می سنجیم، آنچه کــه به دنیــای غیرمادی پنهان تعلــق دارد، چرا که تنهامی توان در مورد آن فکر کردو آن را پنداشت یا شاید به خاطر این که تنها زمانی وجود داشـــته و دیگر نیســت، متعلــق به گذشـــته و د

ـــــدو «ییر میست»، منعمی به ددسته و در سرزمین مردگان دستنیافتنی است» (برگرفته از اگر مسافری در شبی زمستانی، ۱۹۷۹). بنابراین، آمیزه نشــانهها و نمادها در آثار ســبزی بهبورین. سیر مسلم راهی بسرای انتخاب هنر به جسای زندگی یا پنهان کردن زندگی در زیر نقاب هنر است. باید از خود بیرسیم آیانمادهای برگزیده و روش او عنصری اساسی - شماید درد و رنج جدایی - را پنهان نمی کننــد؛ رنجی کــُه او با مهــارت تمــام در اثر دگردیسیها به تصویر کشــیده است. این شاهکار دوران ابتدایی کار او ملغمهای از نشانههای فرهنگی -برن جندیی در ومعمدی، نسانهای فرهندی است که دردو رنج خودباز سازی انسان در جهانی نو را به تصویر می کشــد. در آثار بعدی، درونمایههای ريخته شده روی يوم به اصل خود وفادار باقی میمانند.این تصاویر که قادر به همآمیزی و تلفیق با یکدیگر نیستند این پرسش را به نمون متبادر می سازند که آیا ترس از این همآمیزش آتشیین

هم نگه می دارد؟ مهمه می درد. در سطحی دیگر، تفسیر آثاری همچون مأموریت موفق (۱) و مأموریت موفق (۲) یا راهبه ها در حال بازی در حقیقت به مثابه محکوم ســاختن بی پرده سرمایه داری، استعمار و .. اســت اما نگاه کردن به این آثار به عنوان نوعی بیان تقلیدی یا خطی اشتباه خواهد بود. آنچه به ذهن خطور می کند، بی منطقی جهانی است که عناصر کاملا نامر تبط را به صورت

ي با هم مخلوط كرده و به هم درمي أميزد. همان گونه که شایدراه ورسم کلنات چنین است. این خاطرات و تأملات سـبزی است که اغلب او را بر آن مـیدارد تا تصاویر برجســـه گوناگونی را را بران صیحارد دا نصاویر برجسته توانوی را دستچین کند بدین ترتیب سرای مثل، تصاویر وارهول بانقاشیهای مینیاتور دورههای مختله این نهتها یادآور دورهها و موفقیتهای هاورانطبیعی گذشته هستند، بلکه نشسانههای ماورانطبیعی هویت فرهنگی را به ذهن فرامی خوانسد این قاشیها اصولا، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نداعی گـر گفتمان هایی هستند درباره این که ماهی در عندان بایی مستند در سار بیل ب چگونه سرنوشت و زندگی انسان در هنر سنجیده می شـود و این کــه خــود تاریخ هــم ســازهای از خواست های زیبایی شناسانه است. پیام تمامی این همسان سـازی ها این اسـت که به غیراز نقطه نظرات گوناگون، در ک خالص و جامعی از واقعیت

شخصيتهاى كارتونى والتديسني نيست که آنها را اين گونه خونسـرد و آرام در کنار بسیار بزرگ و تصاویر زیاد دیگر قرار گرفته است. تمامی این آثار یادآور آن هستند که چگونه برخی اشکال فرهنگی تنها به خاطر این ک در فضایی متفاوت، آكُنده از معانى تازه هسّ

که در نتیجه نوعی میل شدید به فرهنگ پذیری در یک در نیبکه توخی مین سدید به ترمنت پدیری در یک حیطه فرهنگی با هم ارتباط برقرار می کنند، با اشکال دیگر ادغام می شوند. تساوم خاطر دهسا اغلب موجب حسزن و اندوه دان در تبعید می شود، بسیار بیشتر از آنچه ــرای هموطنان ســاکن در وطن اتفــاق می افتد. بسری میکرد از هنرمندان دور از وطن است و آثار اونشانههای ماندگار ذهنی تزلزل ناپذیر هستند که مهوراره رویای عاشقانه گذشته را تداعی می کنند. ابرر رریانی ابطه او با وطن اختیار کردهاش در ست همچون خاطرات او از وطنش اسطور هســـاز و اســطور های است. نقاشـــیهای او ترکیبی از لایههای گوناگون زبانی و خاطرات تصویری است که از میان تودهای زَ تاريخُ برگزيده شــدَه و نه تنها او را وادار به نقّاشی بی کند بلکــه افق ديد ما را نســبت بــه تعاملات

ی . فرهنگی گسترش میدهد. جهان باستان و دنیای مدرن دست در دست یکدیگر از طریق ممگونسازی تصادفی به پیش میروند. بنابراین، آثار سبزی، آثاری چندآوایی بالایههای حافظه و موسیقی متمایز هستند و توانایی ما در تفکیک واقعیت و خیال یا واقعیت و هنر، در بسیاری مواقع بجود ندارد. نمونه آن تصاویر مریلین مونرو است که در کنار نشانههایی از مشرق زمین، علامت دلار، . قريباھيچاسن

این کار اخیر من است و مفهوم تغییرات و حرکت ز فرهنگ سنتی به مدرنیسم را نشان می دهد. در این یار کار همان طور که مشهود است، یک بخش آنست کت بر بک صفحه دیکشنری انگلیسی قرار داده شده است که وسط آن به دو بخش سیاه و سفید تقسیم شده که با یک ریسمان این دو بخش به شکلی سمبلیک به هم دوخته ـدهاند و خود این بخش با نقوش تذهیب احاطه شده است. در واقع گذر از یک وضع به وضعیتی جدید بدون این که انسان از وضع سابق خود دست بکشد را به تصویر یشیدهام؛ من فکر می کنم حتی گذشتگان مانیز به مانند

ناشر معتبر آمریکایی به چاپ رسید که با مقاله هایی از دکتر عباس دانشوری، استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا

شخصه آنهافهم واستقبال از هنرهای خوب است که

البته چنین مشخصهای برای یک جامعــه، لازمهاش آموزش هنر در جامعه وارج نهادن به هنر والاست.

درابران نگاهونوع مخاطبانتان چگونه هست؟

من هیچ گاه در ایران نمایشگاه بر پا نکرده بودم و اولین

، چون نمی توانم

مایشـگاەمن بەھمین ۴سـال پیش باز می گردد. برای

مخاطبانه درايران راباقبل از آن قياس كنه. ولي من خيلي

بەجنبوجوشى كەدرجامعەھترىرپاست؛اميدوارم،قكر مىكنىمىردىماھنررادوستدارنداين كەشرايط مختلف

باعث شده که به بعضی هنرها جذب نشوندو توجهی نکنند، داستان دیگری است. اگر مردم ما با هنر نقاشی

نزدیکی چندانی نداشتهاند من فکر می کنم به این دلیل

اين هنر آشناشوندواز آن لذت ببرند ياآن رابخرندواز اين

هنر حمایت کنند مردم باید در این زمینه بیشتر آموزش ببینند آمـوزش بایداز کودکی آغاز شـود. در مجموع به

در گالری بوم، آشری به نام «گیدار» دارید، به گمانم

مصاره دغدغه ای ست که در آثار تان پی می گیرید؟

ما به گذشته هایشان فکر می کردند و به گذشته پیوند

خوردہ بودند. پدر من ھموارہ یادی از گذشتہ ھا مہ ، کہ د

بروسهای کهدر جز بانش هستنیز خیلی امیدوار هستم

ت که شرایط برای مردم ما کُم مهیا شده است تا با

۔ ۔ ہبرای من مشکل اس

همينمقايس

ت. در مورد مخاطبان غربی باید بگویم عمده

دورههای مختلف در کارهای من بوده است. از ستر کشینهایم که متاشر از پل کلیاند تا ابسیتر کت ب فیگوراتیوهایم که متاثر از نقاشان شسمال کالیفرنیا در دهه ۱۹۵۰ که پیشرو جنبش ابستر کت فیگوراتیو بودند (مثل ریچارد دیبن کرن یا المر بیشوف یا جیمز ویک ریس ریپار - یہی عربی سری یہ سر بیسو ے بیسر ویا۔ و…) یافیگورهایی با تاثیرات عمیق از ماتیس و بونارد اگر منظور تان کارهای اخیر است، این نوع کارها را از ســال ۲۰۰۷ شـروع کردم، اگرچه پایه آنها در سال های اقامتم در آلمان ریخته شــده بود و در آن موقع هم موضوع رنج انسان های مهاجر در بازســازی و تطبیق خود با شرایط انسان های مهاجر در بازســازی و تطبیق خود با شرایط سـرزمین نوبر گزیده مدنظرم بود. در نتیجه تعدادی کار باابعاد کوچک خلق شد که تم اصلی آنها همین فضایی بود که گفتم. از این کارها چندتایی را هنـــوز دارم. بعداز ترک آلمان ورفتن به آمریکا این نوع کارها جای خود را به کارهای فیگور اتیوداد که موضوع آنها،زن هابودند با تجسم دنیای اسرار آمیز و معصومانه برای آنها.از سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ دوساره به همان کارهای دوره آلمان بر داختیر، با قطع واندازههای بسیار بزرگتر ونگرشی تازهتر که در اکثر نهارنج انسان خاور ميانهاي وحسرت بهشت گمشدماش

مستند پیرویس بنویین. نمایشگاه من از سال های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ میلادی به صورت مستمر شروع شــد که عمدتا در آمریکا ژاپن و ، طرفدار هستندو

ریب چندان روشن و سـاده نیست چرا که زیســـتن به دور از تحولات جهانی آسان نیست. سوال اساسی این است که تقابل بین سنتومدر نیته را چگونه باید حلوفصل کرد؟ از چەزمانى كارتان شكل ياپ آرت گرفت؟

. بەقافلە تحددم از مخاطبان غربی و نمایشـگاههایی که در آن سـو گذاشتها بدر، ایمان بگویند؟

اروپا بود. مخاطبان من در این نمایشــگاهها دوستداران کارهای فیگوراتیوم بودند که هنوز هم این کارها بســیار بيشتر شناختى كهدر أنجااز من هست بر حرب ریستین کارهاست. تعداد فراوانی نمایشگاههای انفرادی در این زمینه داشتم و همین طور نمایشگاههای جرین رئیس میسم و معنی مرز مدین مرز مدیست. جمعی، دو کتاب به تر تیب در ســـال های ۱۹۹۷ با عنوان رازهــای جاودانــه (Enduring Mystery) و کتاب

> که اسـطوره ها سر نوشت و هس ۱-چنانچه سعی در تفسیر و معنای آثار محمود

بیمپ می در مسیر و مسیر و می در سرد سبزی داشته باشیم، آثار او را به غایت انتراعی خواهیم یافت. اگرچه نقاشی های سبزی آشکارا، واقعی و فیگور آنیو است اما در جهت رهایی از قیود ،وپاگیرواقعیت تلاش می کنند. تفسیر دقیق آثار او باید ساختار دایر دواری را

. 515

... برای تف رمز گشــایی کرد که در آغاز واقعی به نظر میرسد. اما بهطــور مفهومی بــا انتــزاع پایــان می پذیرد. بدین تر تیب، فحوای آثار او گســـتر ده، جهانشمول دىدىن برىب، فحواى اناراو مىستردە، چېشمول دەلوراى طبيعى هىستند. ابزار او براى خلق انتزاع بىسيار زېر كانه است، چون روشىي كەبسان، ب سازماندهى و آفرينش اشىكال انتزاعى مى پردازدە. آميىزش نمادهـاى ناھمگون فرهنگى است كە حکایات دشــوار هویت و بــاوری متعالــی را نوید میدهد. بــه عبــارت دیگر، بــه همان انــدازه که نمادهای به کار رفتــه در آثار او گذرا و وابســـته به متن هستند، به همان میزان با اشاره به نشانههای اسطورهای-روایی از سطح تجارب روزمره شناخته شده فراتر میروند تصاویر «سبزی» اغلب از میان خزانههای هنری غربی و شرقی دستچین شده که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، ظاهری کاملا ه و به همین خاطر، تعجبی نیا a Îl-که این طرحها به گستره نامحدود و بی انتهایی از هستی اشاره دارند. همین ویژ گی بیش از هر ویژ گی دیگری باعث میشود که یادآوری هاو بازسازی های آثار او غامض و در نتيجه انتزاعي باشند.

ر رو ای رو . . . روی. ۲-با تفسیر آثار سیزی می تیوان نتیجه گرفت





گفتوگوبامحمودسبزی،نقاشساکنلس آنجلس آمریکا

هویت فرهنگی، ریشه حیات یک ملت است